

## بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت شهروندان مطالعه موردی شهر نقاب

رحمت الله محمدخواه<sup>۱</sup>، اعظم فرهودفر<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی.

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه شناسی.

نام نویسنده مسئول:

اعظم فرهودفر

### چکیده

با گسترش جوامع و رشد شهرها، مشارکت یکی از مسایل محوری توسعه اجتماعی و شهری می باشد. به گونه ای که صاحب نظران، مشارکت را حلقه گمشده رشد و توسعه شهرها می دانند. با توجه به این مهم، مساله اساسی این پژوهش مشارکت شهروندان شهر نقاب و عوامل اجتماعی موثر بر آن می باشد. که به همین منظور از نظریات روان شناسی و با تاکید بر سود و فایده موجود در مشارکت، نظریات روان شناسی اجتماعی و عنصر مهم این نظریات یعنی احساس تعلق خاطر و همچنین بر اساس عناصر نظریات اجتماعی یعنی جامعه پذیری برای شاخص سازی و فرضیه سازی استفاده شده است و مدل تحلیلی آن ارائه گردیده است. این پژوهش به شیوه پیمایشی بر ۳۲۰ نفر از شهروندان شهر نقاب اجرا شده است و نتایج پژوهش نشان می دهد که میزان مشارکت شهروندان نقاب در حد متوسط رو به بالا بوده است و در میان عوامل موثر بر میزان مشارکت، عنصر تعلق خاطر، مهم ترین عامل بوده است و در کنار آن عناصر جامعه پذیری و میزان سود حاصل از مشارکت از دیگر عوامل موثر بر مشارکت شهروندان شهر نقاب می باشد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت، سود، اعتماد، جامعه پذیری.

**مقدمه**

یکی از ویژگی‌هایی که برای انسان ذکر کرده‌اند روحیه جمعی و بالطبع اجتماعی بودن اوست چنانکه خاستگاه جامعه، نیاز انسان به همکاری بوده است و نیازهای خود را در ارتباط با دیگران و در شبکه اجتماعی برطرف می‌کند.

"با این همه از دیرباز در مورد فشار این زندگی اجتماعی میان متفکران مسایل اجتماعی و دانشمندان علوم اجتماعی اختلاف نظر وجود داشته و دارد اما آنچه مسلم است و ظاهراً همگی در آن اتفاق نظر دارند ایناست که چه آدمی طبعاً متمایل به زندگی اجتماعی باشد و چه بر اثر عوامل بیرونی به این حالت سوق داده شده باشد برای آن که این گرایش به تحقق بپیوندد آموختن اجتماعی زیستن و مشارکت در امور جامعه به او لازم و ضروری است." (مریم هاشمیان، ۱۳۹۰: ۲) "تجربه‌ی کشورهای مختلف جهان در طرحهای توسعه شهری نشان می‌دهد موفقیت طرحها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج بوده و در گرو مشارکت مردم و نهادهای محلی هستند و تنها با تشویق مردم و استفاده از مشاوره عمومی می‌توان به موفقیت‌های مطلوبی دست یافت." (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) "جلب مشارکت شهروندان در اداره‌ی شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از آن جمله می‌توان به افزایش محدودیتها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش حلقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد." (هاشمیان، ۱۳۹۰: ۲)

"افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعامل شهری نقش ارزنده‌ای را ایفا کند. اگر شهروندان مشارکت در شهر را مشارکت در سرنوشت خود بدانند در این صورت زمینه را برای تغییر و تحول در جهت پویایی شهری آماده خواهند ساخت و در واقع از مشارکت به عنوان حلقه مفقوده توسعه یاد می‌شود." (تقوایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱) "چرا که در روند توسعه در یک جامعه نیازمند عوامل، عناصر و زمینه‌های متعددی است یا به عبارت دیگر توسعه یک پدیده چند بعدی است که یکی از زمینه‌ها و عوامل موثر در این مهم وجود مشارکت‌های مردم در ابعاد مختلف در سطح جامعه می‌باشد." (گنجی، ۱۳۸۲: ۶۲) "در هر حال توسعه یعنی گسترش و رشد همه‌ی شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و فرایندی است در جهت بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه. فرایندی که کوششهای مردم و دولت را در بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر محل هماهنگ می‌کند و مردم را برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا می‌سازد." (نوابخش، ۱۳۸۸: ۴۰) "توسعه در این مفهوم به معنای پیشرفت، تکامل و برون رفت از حالت قبلی و رسیدن به شرایط مطلوب است که موجبات رفاه و آسایش هر چه بیشتر انسان را فراهم می‌آورد." (نسترن، ۱۳۸۶: ۵۶) همان طوری که عنوان شد "موضوع مشارکت شهروندان در امور شهری در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی قرار داشته و همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن می‌گویند." (تقوایی، ۱۳۸۸: ۲۱) چرا که "توسعه پایدار یک اتفاق یا رویدادی نیست که یک باره اتفاق بیفتد بلکه یک فرایند پویا است که در طول زمان و با برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد و هدف آن ارتقاء حیات انسان است. در این میان پایداری شهری نیز مفهومی است که در پی طرح توسعه پایدار به عنوان الگو واره جدیدی در جهان مطرح گردید. این الگوواره به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعت می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط زیست می‌انجامد و تنها فرایند توسعه‌ای را تایید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها منجر شود." (نسترن، ۱۳۸۶: ۶۰) در واقع می‌توان عنوان نمود که "توسعه پایدار شهری به دنبال ساختن یک شهر نسبتاً ایده‌آل و آرمانی است که در آن هم شهروندان معاصر از یک زندگی نسبتاً خوب برخوردار شوند و هم توانایی‌ها نسل آینده برای برآورده کردن نیازهایشان به مخاطره بیفتد." (نوابخش، ۱۳۸۸: ۴۰) دستیابی به این امر مهم یعنی ساختن یک شهر نسبتاً ایده‌آل که هدف توسعه پایدار شهری می‌باشد ممکن نخواهد بود جز در سایه‌ی مشارکت شهروندان که در واقع پایه و اساس یک شهر می‌باشند. توجه به این مهم بویژه در شهرهای کوچک که هنوز در ابتدای راه ساختن شهر هستند می‌تواند نتایجی بس مثبتی برای آبادانی و توسعه شهر داشته باشد. "شهر نقاب از جمله شهرهای کوچکی است که در آذرماه ۱۳۷۳ موجودیت شهری خود را از الحاق و ادغام چند روستای مجاور و نزدیک به نامهای کلاته آقا محمد، نقاب، ملایجر، سردارآباد، شمس‌آباد و قدرآباد یافته و سابقه شهری چندانی ندارد. برای یافتن هسته اولیه شهر باید به دنبال هسته‌های اولیه روستاهایی که این مجموعه را تشکیل داده‌اند باشیم. این شهر از شمال به بخش مرکزی و ارتفاعات اسفراین، از جنوب به دهستان پیراکوه از شرق به دهستان حکم‌آباد و از غرب به اراضی شهرستان جغتای محدود می‌شود." (محمدخواه، ۱۳۸۹: ۸۰)

**اهمیت و ضرورت**

"از حدود دهه دوم قرن ۲۰ مقوله رشد و توسعه در اکثر کشورهای جهان سوم مطرح شد واز آغاز این قرن تاکنون کشوری را نمی‌توان یافت که در اندیشه نیل به توسعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... نباشد." (گنجی، ۱۳۸۲: ۶۲) "با این وجود در

سالهای اخیر رشد سریع شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه منجر به پیدایش مسائلی مانند کمبود واحدهای مسکونی، بالا رفتن بیکاری، آلودگی‌های زیست محیطی و ... شده است. (زیاری، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

در واقع در دنیای امروز عوامل متعددی مانند رشد شتابان جمعیت، تحول فن آوری و پویایی اقتصادی، ثبات و پایداری حیات بشری را با تهدید مواجه ساخته است. از جمله عواملی که امروزه "در امور شهرها در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی قرار داشته و همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت دستیابی به دموکراسی و توسعه پایدار سخن می‌رانند موضوع مشارکت شهروندان می‌باشد. (تقوایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱) چرا که زمانی که شهروندان در مدیریت شهری مشارکت می‌کنند نیازها بهتر و موفق‌تر برآورده می‌شود. در حال حاضر رویه‌ی بیشتر برنامه‌ریزی‌ها و طرحهای شهری که در جهان به صورت طرحهای جامع تهیه می‌شود تغییراتی ایجاد گردیده است. "به گونه‌ای که از مهم‌ترین تغییراتی که در روند تهیه و اجرای این طرحها بوجود آمده نقشی است که به مشارکت مردم در این طرحها داده می‌شود. با توجه به نقشی که مشارکت مردمی در روند تهیه و اجرای طرحهای شهری دارند باید روند تهیه و اجرای طرحهای شهری در ایران نیز تغییر یابد و از مهم‌ترین این تغییرات اهمیت دادن به مشارکت مردم است. متأسفانه الگوهای مشارکتی در حال حاضر عمدتاً در کلان شهرهای ایران اجرا شده و از اهمیت نقش مشارکت شهروندی در شهرهای کوچک خبری نیست توجه محققان و اندیشمندان به مساله مشارکت شهروندی در سالهای اخیر حکایت از اهمیت این امر در توسعه شهری دارد. هر چند تحقیقات انجام شده در این باره حکایت از مشارکت اندک شهروندان در اداره امور شهری دارد اما حرکت به سوی توسعه شهری و بویژه توسعه پایدار ایجاب می‌کند تا با طرح نقش شهروندان در توسعه شهرها بتوان راه کارها و تمهیداتی برای حضور و مشارکت هر چه بیشتر آنها عنوان نمود. (زیاری، ۱۳۸۸: ۲۱۳)

## هدف

امروزه رشد سریع شهرها بویژه در کشورهای در حال توسعه، منجر به پیدایش مسائلی چون افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، کمبود واحدهای مسکونی، بالا رفتن بیکاری و ... شده است که بی‌گمان حل آنها جز با مشارکت شهروندان ممکن نخواهد بود. اهمیت نقش مشارکت بویژه در شهرهای کوچک که از امکانات و بودجه‌های کمتری برخوردار هستند بسیار حایز اهمیت می‌باشد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر شناسایی عواملی است که بر میزان مشارکت شهروندان دخالت دارند.

به عبارتی دیگر می‌توان اهداف این پژوهش را به صورت ذیل بر شمرد:

- بررسی میزان مشارکت شهروندان شهر نقاب
- شناسایی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان شهر نقاب

## پیشینه تحقیق

در رابطه با مشارکت و عوامل موثر بر آن تحقیقات و پژوهشهای متعددی صورت گرفته است که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود. نتایج تحقیقات موسایی و شیبانی (۱۳۸۸) زیاری و زندوی (۱۳۸۸)، مظلوم خراسانی، نوغانی و خلیفه (۱۳۸۷)، شیبانی، رضوی و دلپسند و دیگران نشان می‌دهد که احساس تعلق به شهر، آگاهی از وظایف شهرداری، نگرش به شمارکت، اعتماد به شهرداری، عضویت در گروهها و نهادهای شهری، رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهری، تحصیلات، جنس و درآمد مهمترین متغیرهایی هستند که مشارکت شهروندان در امور شهری را تبیین می‌کند. در همه تحقیقات انجام شده میزان مشارکت در امور شهری ضعیف بود و تنها در تحقیقی که توسط هاشمیان، بهروان و نوغانی در مشهد انجام شده میزان مشارکت در امور شهری در حد بالایی بوده است. «در تحقیقات خارجی همانند تحقیقات مونتالدو (۲۰۰۸)، کلی و دنیس (۲۰۰۸) لوکارت (۲۰۰۳)، اعتمادی (۲۰۰۰) و مارشال (۲۰۰۷) نیز مشارکت مردم در امور شهری در حد متوسط رو به پایین می‌باشد و مهمترین متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت در این تحقیقات شامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و میزان آگاهی می‌باشد.» (هاشمیان: ۱۳۹۱)

## چهارچوب نظری

همکاری که بر اساس یک نوع دوستی دو طرفه قرار گرفته است تنها در تعداد کمی از انواع موجودات رشد داده است. که این ترکیب از همکاری، هسته اصلی رفتار زندگی اجتماعی است. (James K. Rilling, 2002) "انسان موجودی زیست‌مند، نیازمند و آموزنده است و شکل‌گیری زندگی اجتماعی نیز بر اساس همین سه متغیر صورت می‌گیرد. پس از شکل‌گیری اجتماعات انسانی، جوامع برای ایجاد تعامل بین نیازها و خواسته‌های انسان و امکانات بالقوه و بالفعل در جامعه و محیط زیست به تلاش پرداخته‌اند." (سیف‌اللهی، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۲۳) در این تلاش "روند توسعه در یک جامعه نیازمند عوامل، عناصر و زمینه‌های متعددی است به عبارت دیگر توسعه روند آن مشروط به وجود برخی

از زمینه های مادی و غیرمادی در سطح مختلف جامعه باشد لذا یکی از زمینه ها و عوامل موثر در این مهم وجود مشارکتهای مردمی در ابعاد مختلف در سطح جامعه می باشد. بدین ترتیب با توجه به تعریف توسعه که به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی تر است می توان گفت لازمه ی هر نوع توسعه در جامعه وجود مشارکتهای مردمی در ابعاد مختلف است و در واقع بدون مشارکت نمی توان به توسعه ای واقعی، فراگیر، همه جانبه و پایدار دست یافت. "گنجی، ۱۳۸۲: ۶۲" در واقع هدف توسعه پایدار بهبود در سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همگان با التفات به حقوق آیندگان و عدالت اجتماعی برای باشندگان است که در آن تامین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان را مدنظر قرار می دهد. "احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۲" و دستیابی به این هدف در جامعه ممکن نخواهد بود مگر زمانی که مردم بپذیرند که شهرشان متعلق به خودشان است و برای توسعه ی آن به تلاش بپردازند. در پذیرش این احساس و مشارکت برای دستیابی به این مهم عوامل متعددی دخیلند و نمی توان به یک متغیر واحدی در مشارکت شهروندان برای رسیدن به این هدف اشاره نمود. متغیرهایی متعدد روانشناسی، روان شناسی اجتماعی و در نهایت متغیرهای اجتماعی در این زمینه تاثیر گذارند و اندیشمندان هر کدام از یک دیدگاه به این امر نگریده اند. در زمینه ی تاثیر عوامل روان شناسی موثر بر مشارکت می توان به متغیر سود-فایده و اشاره نمود.

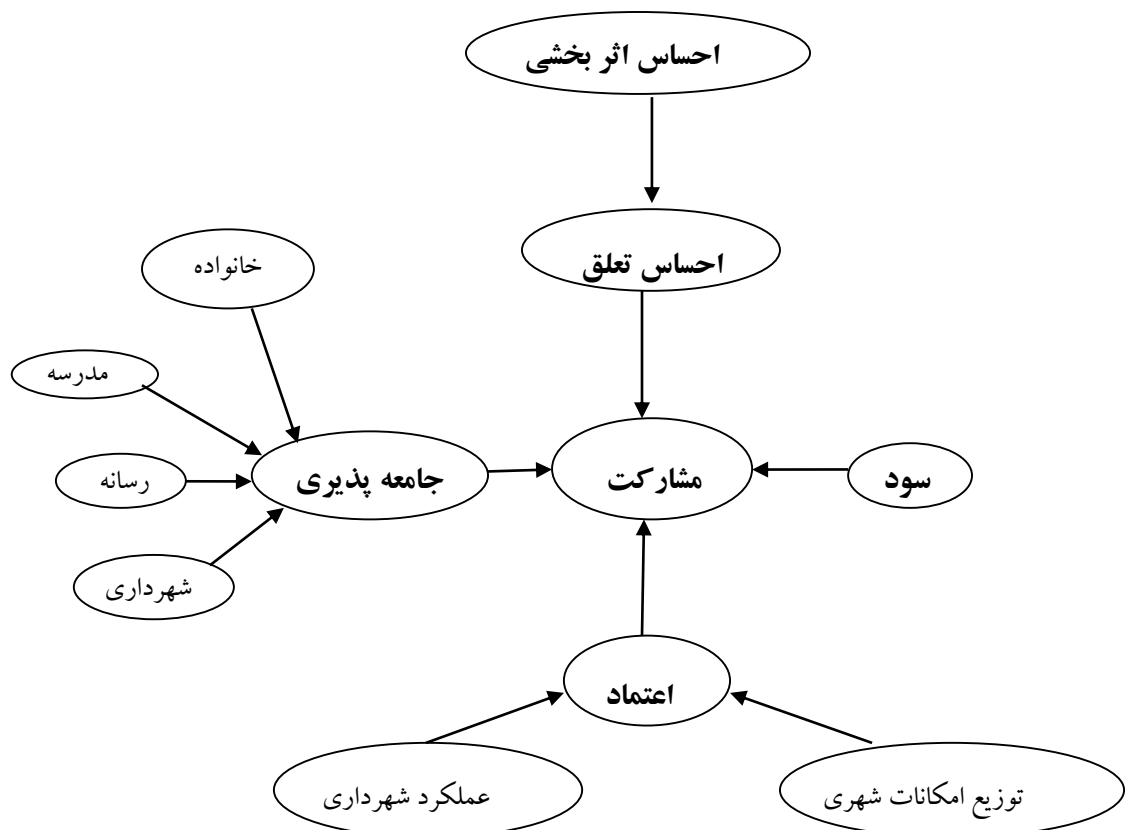
«پیش فرض قابل قبول در نظریه مبادله چنین است که اکثریت افراد در جامعه رفتاری حسابگرانه و معقول دارند به عبارت دیگر فرد در هنگام انجام هر گونه عمل، محاسبه ای در خصوص منافع حاصل از انجام آن در مقابل هزینه ای که باید بپردازد انجام می دهد و در صورتی که کفه منافع سنگین تر از کفه هزینه باشد آن عمل را انجام می دهد.» (محسنی تبریزی: ۱۳۸۳، ۱۱۷) «فرض اصلی نظریه اختیار عاقلانه این است که افراد همه کارها را بر اساس فایده استدلال می کنند و آن را مبنای اختیار عمل مشارکتی یا غیرمشارکتی قرار می دهند. افراد در صورتی به سوی اقدامات مشارکتی گرایش نشان می دهند که بپذیرند در شرایط جمعی و مشارکتی امکان دستیابی به فایده تسریع و تسهیل خواهد شد در غیر این صورت ترجیح خواهند داد که همواره به شکل انفرادی عمل نمایند.» (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۷۵) در واقع در این نظریه "هومنز رفتارها را بیش از آن که حاصل باورها و گرایشها بدانند نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی کرده است بدین معنی که رفتارها از جمله مشارکت زمانی شکل گرفته، مثبت شده و جنبه نهادی می یابند که منافع عینی بیش از هزینه هاست. بنابراین اگر مشارکت برای انسان همراه با کسب امتیاز و ارزیابی مثبت از نتیجه کنش باشد تداوم یافته و تکرار خواهد شد." (موسایی و شیانی، ۱۳۸۹: ۲۵۰) در واقع اگر "ویژگی نوع دوستانه این امر را که سود گروه محصول همکاری افراد است را درونی کند مشارکت و همکاری تقویت می شود." (sung - ha hwang، 2012) در بعد روان شناسی اجتماعی مشارکت می توان به متغیرهایی چون از خود بیگانگی، بی قدرتی و عدم تعلق به امور شهری اشاره نمود در واقع بر اساس نظر رابرت دال زمانی که "مردم معتقد باشند که بدون مداخله ی آن ها انجام برخی اقدامات و کارها توسط دیگران رضایت آن ها را تامین می کند احتمال مشارکتشان کاهش می یابد." (محسنی تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۵۸) مفهوم بی قدرتی در واقع "نوعی بیگانگی است که در آن فرد احساس می کند در وضعیتهای اجتماعی که در آن ها کنش متقابل دارد نمی تواند تاثیر بگذارد." (همان، ۱۶۱) و در نهایت باید گفت داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه های است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می دهد و در صورتی که فرد به شهر و جامعه جود احساس تعلق نداشته باشد انگیزه مشارکت در شهر نیز کاهش می یابد. از متغیرهای اجتماعی موثر بر مشارکت، عضویت انجمنی، اعتماد و فرایند جامعه پذیری می باشد. "از منظر رویکرد کارکردی ساختی برای تسریع در ورود افراد جامعه به فرایند مشارکت حتی در شکل ابزاری آن باید در جهت گیرها و ویژگی های شخصیتی افراد جامعه تغییراتی حادث شود. بنابراین آموزش دادن و سازماندهی مجدد دستگاه های تولید و تشکل نهادهای مناسب از وظایف مهمی هستند که برای زمینه سازی مناسب برای مشارکت باید عملی گردند." (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۲۶۱ و ۴۵) "هانتینگون نیز معتقد است در جوامعی که زندگی گروهی و فعالیتهای جمعی گسترش زیادی ندارند نوسازی با کاهش مشارکت همراه است و وضع انجمن ها و گروه های واسط از پیش شرطهای زمینه مشارکت محسوب می شوند." (شیانی، ۱۳۹۱: ۲۲۰) اعتماد نیز به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی تاثیر بسزایی بر مشارکت و تعامل میان گروه ها خواهد داشت به طوری که "تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف نظیر ایتالیا و آلمان نشان می دهد که در مناطقی که اعتماد بالایی وجود دارد میزان مشارکت در امور مدنی بالاست و حکومت کیفیت بهتری دارد." (شارع پور، ۱۳۸۳: ۸۱)

#### خلاصه نظریه های مشارکت

نظریه	متغیر تاثیر گذار	نظریه پرداز	خلاصه نظریه
روان شناسی	سود- فایده	جورج هومنز	اگر مشارکت برای انسان همراه با کسب امتیاز و ارزیابی مثبت از نتیجه کنش باشد تکرار خواهد شد

<p>* هر گاه انسان فکر کند فعالیت و مشارکت او در امری بی اهمیت بوده و نمی تواند منشا تغییرات شود هرگز در آن وارد نمی شود.</p> <p>* بی قدرتی نوعی بیگانگی اجتماعی در آن فرد احساس می کند در وضعیتهای اجتماعی که در آن ها کنش متقابل دارد نمی تواند تاثیر بگذارد.</p> <p>* هم چنین پیوند میان فرد و جامعه مهم ترین علت هم نوایی با جامعه است و عدم تعلق و پیوند به جامعه سبب کاهش مشارکت می گردد.</p>	<p>رابرت دال ملوین سیمن تراویس هرشی</p>	<p>از خود بیگانگی بی قدرتی عدم تعلق</p>	<p>روان شناسی اجتماعی</p>
<p>* در جوامع که زندگی گروهی و فعالیت های جمعی گسترش زیادی ندارند نوسازی با کاهش مشارکت همراه است.</p> <p>* یک انجمن نیروی افکار پراکنده را متحد می کند و با قدرت آن ها را به طرف یک هدف معین هدایت می کند.</p> <p>* در شرایط سرمایه اجتماعی بالا شهروندان قانون مدار شده و با دولت همکاری بهتری می کنند.</p> <p>* برای تسریع در ورود افراد به فرایند مشارکت باید از طریق آموزش در جهت گیری افراد جامعه تغییراتی حادث کرد.</p>	<p>هانتینگتون دوتوکویل پاتنام پارسنز</p>	<p>عضویت انجمنی اعتماد جامعه پذیری</p>	<p>اجتماعی</p>

مدل تحلیلی



## فرضیات تحقیق

هر چه سود مشارکت در امور شهری بیشتر باشد مشارکت بیشتر است  
 هر چه فرد به شهراحساس تعلق بیشتری کند مشارکت فرد بیشتر است  
 هر چه اعتماد فرد به شهرداری بیشتر باشد مشارکت فرد در امور شهری بیشتر است.  
 هر چه آگاهی فرد در زمینه امور شهری بیشتر باشد مشارکت فرد بیشتر می شود.

## تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

### متغیر وابسته

**مشارکت:** از نظر لغوی بر وزن مفاعله به معنی شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری می باشد. آلن بیرو مشارکت را به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. (غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۵: ۱۲۱)

در این بررسی مشارکت بر اساس عناصر اجتماعی سود، اعتماد، جامعه پذیری و احساس تعلق سنجیده می شود.

### متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش عبارتند از عواملی که بر مشارکت تاثیرگذار فرض شده است. این متغیرها بر اساس نظریاتی که در چارچوب نظری مطرح گردید شاخص سازی شد و در رابطه با مشارکت قرار گرفت.

**اعتماد اجتماعی:** حالتی ذهنی است که فرد در زندگی مدنی خود، تعاون، مدارا و همکاری با دیگران را احساس می کند و اعتقاد دارد که دیگران در زندگی به او کمک می کنند. (مظلوم خراسانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵)

در این پژوهش اعتماد اجتماعی از طریق همکاری با شهرداری و رضایت از عملکرد شهرداری سنجیده می شود

**جامعه پذیری:** جریانی است که فرد را عملاً با زندگی گروهی همساز می کند. فرد جامعه پذیر کسی است که بر اثر همناوا شدن با هنجارهای گروهی، وظایف گروهی را پذیرفته و راههای همکاری را شناخته و بدین سبب دارای رفتاری گروه پسند شده است. (آریانپور، ۱۳۸۰: ۱۶۸) این عامل از طریق نقش عوامل اساسی انتقال فرهنگ یعنی خانواده، نظام آموزشی، رسانه ها و همچنین آموزش و اطلاع رسانی های شهرداری سنجیده می شود.

**تعلق:** احساس بدهکاری یا دینی که مردم نسبت به جامعه دارند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۱) این عامل بر اساس تعداد سالهای سکونت فرد در شهر، توزیع امکانات شهری و احساس مسئولیت فرد نسبت به شهر سنجیده می شود

**فایده:** سود، نفع، نتیجه مطلوب و سودمند، این عامل نیز بر اساس سودمندی همکاری با شهرداری سنجیده می شود.

## روش شناسی

در این پژوهش از روش اسنادی و پیمایش برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. همچنین روش نمونه گیری پژوهش به صورت سهمیه ای و قضاوتی می باشد. نمونه گیری سهمیه ای نوعی نمونه گیری غیر احتمالی است که در آن بعد از تعیین سهم هر لایه در کل جامعه آماری و معین نمودن تعداد حجم نمونه، کل سهم متناسب هر کدام از لایه ها در جامعه نمونه بدست خواهد آمد. در این روش، نمونه تحقیق به گونه ای انتخاب می شود که زیر گروهها در حد امکان با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند در نمونه نیز حضور یابند (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۸۹). و در مرحله دوم جمعیت نمونه این مطالعه، از طریق نمونه گیری عمدی یا قضاوتی انتخاب شده اند. دلیل انتخاب این روش علاوه بر ماهیت خاص تحقیق، پراکندگی بیش از حد جمعیت لایه ها بود. سپس به افراد جامعه نمونه مراجعه و پرسشنامه ها تکمیل گردید. اصطلاح نمونه گیری قضاوتی یا عمدی، برای توصیف نوعی از نمونه گیری به کار می رود که در آن مواردی که از لحاظ هدفهای تحقیق اطلاعات غنی را در بر دارند انتخاب می شود. بنابراین نمونه گیری عمدی یکی از اشکال نمونه گیری غیر احتمالی است که در آن انتخاب موارد به عنوان مصداق طبقه یا مقوله ای که مورد علاقه محقق است صورت می گیرد (دواس، ۱۳۸۴: ۸۵) در نتیجه با توجه به حجم جامعه آماری (۱۳۷۲۸ نفر) و با استفاده از فرمول کوکران (رفیع پور، ۱۳۸۴: ۳۸۳) نمونه آماری جامعه مورد نظر با ضریب خطای ۵ درصد، ۳۴۲ نفر می باشد.

$$N = 12581 \quad t = 1/96 \quad p = 0/5 \quad 1-p = 0/5 \quad d = 0/05$$

(کل شهروندان)

$$n = \frac{N t^2 p (1 - p)}{N d^2 + t^2 p (1 - p)} \cong 342$$

### تجزیه و تحلیل داده ها

پردازش و تحلیل آماری داده ها با استفاده از نرم افزار کامپیوتری (SPSS) انجام شد و در آن از آزمون های آماری و ... برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شد.

### یافته های پژوهش

#### فرضیات تحقیق

فرضیه اول: به نظر می رسد میان جامعه پذیری و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱: آزمونهای آماری برای بررسی رابطه بین جامعه پذیری و میزان مشارکت شهروندان

سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	آماره سامرز	آزمونهای آماری
۰/۰۰۰	۰/۳۱۷	۰/۲۳۰	
مجموع			۳۴۰

همانگونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می شود مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا ۰/۳۱۷ و سطح اعتماد  $\alpha = ۰/۰۰۰$  می باشد. پس فرض  $H_1$  پذیرفته شده و فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می گیرد. همچنین مقدار ضریب همبستگی سامرز (۰/۲۳۰) نشاندهنده رابطه ای نسبتاً ضعیف میان این دو متغیر است. بنابراین بین جامعه پذیری و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: به نظر می رسد میان احساس تعلق و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲: آزمونهای آماری برای بررسی رابطه بین احساس تعلق و میزان مشارکت شهروندان

سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	آماره سامرز	آزمونهای آماری
۰/۰۰۰	۰/۳۵۳	۰/۲۲۵	
مجموع			۳۴۰

همانگونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا ۰/۳۵۳ و سطح اعتماد  $\alpha = ۰/۰۰۰$  می باشد. پس فرض  $H_1$  پذیرفته شده و فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می گیرد. همچنین مقدار ضریب همبستگی سامرز (۰/۲۲۵) نشاندهنده رابطه ای نسبتاً ضعیف میان این دو متغیر است. بنابراین بین احساس تعلق و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می رسد میان اعتماد به شهرداری و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳: آزمونهای آماری برای بررسی رابطه بین اعتماد به شهرداری و میزان مشارکت شهروندان

سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	آماره سامرز	آزمونهای آماری
۰/۰۰۶	۰/۱۵۰	۰/۱۲۶	
مجموع			۳۳۹

همانگونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا  $0/150$  و سطح اعتماد  $\alpha = 0/006$  می‌باشد. پس فرض  $H1$  پذیرفته شده و فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین مقدار ضریب همبستگی سامرز ( $0/126$ ) نشان‌دهنده رابطه‌ای ضعیف میان این دو متغیر است. بنابراین بین اعتماد به شهرداری و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد میان میزان سود و فایده و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: آزمونهای آماری برای بررسی رابطه بین میزان سود و فایده و میزان مشارکت شهروندان

سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	آماره سامرز	آزمونهای آماری
0/000	0/234	0/157	
340			مجموع

همانگونه که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن در اینجا  $0/234$  و سطح اعتماد  $\alpha = 0/000$  می‌باشد. پس فرض  $H1$  پذیرفته شده و فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین مقدار ضریب همبستگی سامرز ( $0/157$ ) نشان دهنده رابطه‌ای ضعیف میان این دو متغیر است. بنابراین بین میزان سود و فایده و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

### تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

برای بررسی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیرهای وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده شد. در این روش متغیرهای مستقل یکی یکی به معادله رگرسیون اضافه می‌شوند و اگر نقش معنی‌داری در رگرسیون نداشته باشند، از آن حذف می‌گردند. که در این پژوهش با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون، مؤلفه اعتماد به شهرداری توسط برنامه SPSS از مدل کنار گذاشته شده است.

جدول ۵: جداول رگرسیون خطی جهت تعیین معادله خط

سطح معناداری	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		رگرسیون خطی
		ضریب Beta	ضریب B	
0/000	9,293		1,419	عرض از مبدأ (مقدار ثابت)
0/000	5,502	0,296	0,077	متغیر احساس تعلق
0/002	3,191	0,173	0,051	متغیر جامعه پذیری
0/043	2,031	0,106	0,070	متغیر سود و فایده

"احساس تعلق" دارای استاندارد شده نشان می‌دهد Beta همان طور که ستون ضرایب بیشترین اثر می‌باشد. زیرا به ازای یک واحد تغییر در این متغیر  $0/296$  تغییر در متغیر مشارکت شهروندان ایجاد می‌شود.



## نتیجه گیری

مطالعات و نتایج بررسی نشان می دهد که در باب سبب شناسی مشارکت، هیچ تئوری که همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در بر داشته باشد مطرح نشده است. به عبارتی، مشارکت پدیده ای پیچیده است که به تعداد زیادی از متغیرها وابسته است. به گونه‌ای که می توان دیدگاه ها و نظریات مرتبط با مشارکت را در دو رویکرد عمده خرد و کلان قرار داد که در سطح خرد بر انگیزه ها و بخش ذهنی و در سطح کلان به زمینه ها و عناصر ساختاری تاکید می شود. مشارکت زمانی می تواند به گونه ای کامل بروز یابد که این عوامل بتوانند به گونه ای موثر در کنار یکدیگر رشد یابند. هر چند رشد موثر این عوامل به گونه ای همزمان و اثر گذار تنها در یک جامعه آرمانی رخ می دهد اما می توان با تقویت عواملی که در هر جامعه ای خود را به گونه ای موثر تر نشان می دهند زمینه مشارکت هر چه بیشتر شهروندان را فراهم آورد. در واقع این امر فرصتی است برای مسئولان تا با هشیاری، بستر مشارکت را کلید اصلی توسعه هر شهری است را فراهم آورند. بی شک انجام این مهم در گام نخست، نیازمند شناسایی عوامل اثر گذار بر این پدیده می باشد. بر اساس نتایج این تحقیق مهم ترین عامل موثر بر مشارکت شهروندان، عنصر احساس تعلق به شهر می باشد. عنصری که فرد از طریق آن خود را به جامعه پیوند می دهد و در صورتی که شهروندان، شهرداری را به عنوان یک نیروی مستقلی ببینند که بر آنها مسلط شده و در برابر آن هیچ قدرتی ندارند با شهر احساس بیگانه‌گی کرده و بی شک مشارکت آنها کاهش می یابد.

عنصر جامعه پذیری عامل موثر دیگری بر میزان مشارکت شهروندان می باشد. از این منظر برای تسریع در ورود افراد جامعه به فرایند مشارکت حتی در شکل ابزاری آن می بایست در جهت گیری ها و ویژگی های شخصیتی افراد جامعه تغییراتی حادث شود. بنابراین آموزش دادن و تشکیل نهادهای مناسب از وظایف مهم برای زمینه سازی مناسب در جهت مشارکت می باشد. چرا که بدون رشد شخصیت اجتماعی، مشارکت موثر، آگاهانه و داوطلبانه تحقق نمی یابد. به عبارتی مشارکت قبل از آن که نمود عینی پیدا کند پدیده ای ذهنی است که باید آن را در افکار و رفتار مردم جستجو کرد و برای این امر می بایست بسیاری از قالبهای ذهنی پیش ساخته را با آموزش و جامعه پذیری دگرگون ساخت.

عامل موثر دیگر بر مشارکت شهروندان، میزان سود و فایده ای است که شهروندان از مشارکت کسب می کنند به گونه ای که اگر کفه ی منافع سنگین تر از کفه هزینه های آن باشد عملی را انجام می دهند. به عبارتی شهروندان در صورتی به سوی اقدامات مشارکتی گرایش میابند که بپذیرند در شرایط مشارکتی امکان دستیابی آن ها به فایده تسریع و تسهیل می یابد و منافع عینی حاصل از مشارکت بیش از هزینه هاست و در غیر این صورت به شکلی انفرادی عمل می کنند.

## پیشنهادات

با توجه به ماهیت تحقیق حاضر، طرح پیشنهادات عملی و کاربردی برای افزایش میزان مشارکت شهروندان، مستلزم بررسی و تحقیقات بیشتر است. با وجود این سعی بر این است که با توجه به یافته های تحقیق، نکاتی را جهت عوامل موثر بر مشارکت بیشتر شهروندان متذکر شویم.

مسئولین باید مشارکت را به عنوان یک اصل مهم و کلیدی در مسیر توسعه و پیشرفت شهرها باور کنند و ضرورت برنامه ریزی و چاره جویی برای افزایش مشارکت را دریابند. در شرایط امروز اگر مدعی شویم توسعه و پیشرفت شهر جز در سایه مشارکت شهروندان ممکن نخواهد بود؛ اغراق نکرده ایم. بر همین اساس قبل از هر چیز می بایست اهمیت مساله برای برنامه ریزان و مسئولین روشن شود.

شناسایی مساله و اهمیت آن، نیاز به برنامه ریزی برای حل آن است. چرا که مهم ترین جنبه به منظور مشارکت مردم، فراهم آوردن پیش زمینه های لازم برای استفاده از توانایی های آنان است. پژوهش حاضر نشان داده است که بین احساس تعلق به شهر به عنوان یک عامل روان شناختی با میزان مشارکت مردم رابطه وجود دارد. به همین دلیل در کنار برنامه ریزی های عمرانی و خدماتی در شهرداری ها می بایست برنامه صحیح فرهنگی به منظور افزایش احساس تعلق به شهر نیز داشته باشیم.

برنامه ریزی برای حل مساله های بدون تجزیه و تحلیل درست و علمی آنامکان پذیر نیست. وجود یک بانک اطلاعاتی در مورد شهر و شهروندان که شامل کتب، مقالات، پایان نامه های تحصیلات تکمیلی، پژوهش ها و نشریات باشد؛ ضروری است که متاسفانه جای خالی آن در میان بانک های اطلاعاتی محسوس است.

یافته های این پژوهش بر این تاکید می کنند که مهم ترین عوامل اثر گذار بر مشارکت شهروندان، احساس تعلق به شهر، جامعه پذیری و یادگیری مشارکت و همچنین سودآوردن مشارکت می باشد. شناخت این عوامل فرصتی است در جهت فراهم آوردن بسترهای مرتبط با این عوامل تا زمینه مشارکت افزایش یابد. بر همین اساس می توان موارد زیر را در جهت مشارکت بیشتر مطرح نمود:

- رفع نقایص موجود در شهر که سبب ایجاد مشکلات مختلف برای شهروندان شده است

- احترام به نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و کاهش احساس بی قدرتی
- ایجاد شورایی های محلی درمحلات
- پای بندی به قانون در شهرداری ها و اجرایی شدن حقوق شهروندی و توجه به مطالبات شهروندان
- اجرای طرح شهردار مدرسه به منظور جامعه پذیر کردن مشارکت
- شناساندن مفاخر و میراث فرهنگی و اجتماعی و همچنین جاذبه های گردشگری به منظور احساس تعلق بیشتر به شهر
- پیگیری مطالبات مردم در حدتوان و رفع مشکلات آنان برای تغیی نگرش به شهرداری
- کاهش عوارض شهرداری برای شهروندان مشارکت جو
- سودآور کردن مشارکت

## منابع و مراجع

- [۱] احمدی، حبیب، ۱۳۸۴، "جامعه شناسی انحرافات"، تهران، مرنديز
- [۲] آگ برن ونيم کوف، آريان پور، ۱۳۸۰، "زمينه جامعه شناسی" تهران، گسترده
- [۳] ترز ال بيكر، نايبي، هوشنگ، ۱۳۸۱، "نحوه انجام تحقیقات اجتماعی"، تهران، روش
- [۴] تقوایی، مسعود، بابا نسب، رسول، موسوی، چمران، ۱۳۸۸، "تحليلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری" مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، شماره ۲، صفحه ۲۰-۳۶
- [۵] دی.ای.دواس، نايبي، هوشنگ، ۱۳۸۹، "پيمایش در تحقیقات اجتماعی"، تهران، نی
- [۶] رجبی، آريتا، ۱۳۹۰، "شیوه های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری"، آمایش محیط، شماره ۱۲، صفحه ۱۰۲-۱۱۶
- [۷] زیاری، کرامت اله، زندوی، مجدالدین، آقاجانی، محمد، مقدم، محمد، ۱۳۸۸، "بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهرهای کوچک"، جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۳، صفحه ۲۱۲-۲۳۵
- [۸] سيف اللهی، سيف الله، ۱۳۸۶، "مبانی جامعه شناسی"، تهران، جامعه پژوهان سینا
- [۹] شارع پور، محمود، عبداللهی، محمد، زنجانی، حبیب اله، ۱۳۸۳، بررسی مسایل اجتماعی ایران، تهران، پیام نور
- [۱۰] شيبانی، مليحه، رضوی الهاشم، بهراد، دلپسند، کامل، ۱۳۹۱، "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران"، مطالعات شهری، سال ۲، شماره ۴، صفحه ۲۱۶-۲۴۰
- [۱۱] غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن، ۱۳۸۶، "جامعه شناسی مشارکت"، تهران، نزدیک
- [۱۲] گنجی، محمدرضا، ۱۳۸۲، "مشارکت مهم ترین استراتژی توسعه شهری و روستایی، تعاون، شماره ۱۳۹، صفحه ۶۷-۶۲
- [۱۳] محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۳، "ونداليسم"، تهران، آن
- [۱۴] محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۵، "نظریه های روان شناسی و تلفیقی مشارکت"، سیاست داخلی، شماره ۱، صفحه ۱۴۸-۱۷۶
- [۱۵] محمدخوا، رحمت الله، ۱۳۸۹، "شهری شدن و تاثیر آن بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی"، پایان نامه کارشناسی ارشد
- [۱۶] مظلوم خراسانی، محمد، نوغانی، محسن، خلیفه، محمد، ۱۳۹۱، "بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل موثر بر آن"، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره ۱، صفحه ۵۰-۸۰
- [۱۷] موسایی، میثم، شيبانی، مليحه، "مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران"، رفاه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صفحه ۲۴۵-۲۶۸
- [۱۸] نسترن، مهین، زنگی آبادی، علی، خلقی پور، خلیفه، ۱۳۸۶، "توسعه پایدار، شهر پایدار"، کار و جامعه، شماره ۸۵، صفحه ۶۵-۵۶
- [۱۹] نوابخش، مهرداد، سیاه پوش ارجمند، اسحاق، مبانی توسعه پایدار شهری، ۱۳۸۸
- [۲۰] هاشمیان، مریم، بهروان، حسین، نوغانی، محسن، ۱۳۹۰، "عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد"، سومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت

[21] Sung-ha Hwang- SamuelBowels –"Is altruism bad for cooperation"- journa of

[22] Economic behavior organization-2012

[23] Jemes K. Rilling & David A .Gutman –"A neural basis for social cooperation" –Emory university –Atlanta -2002